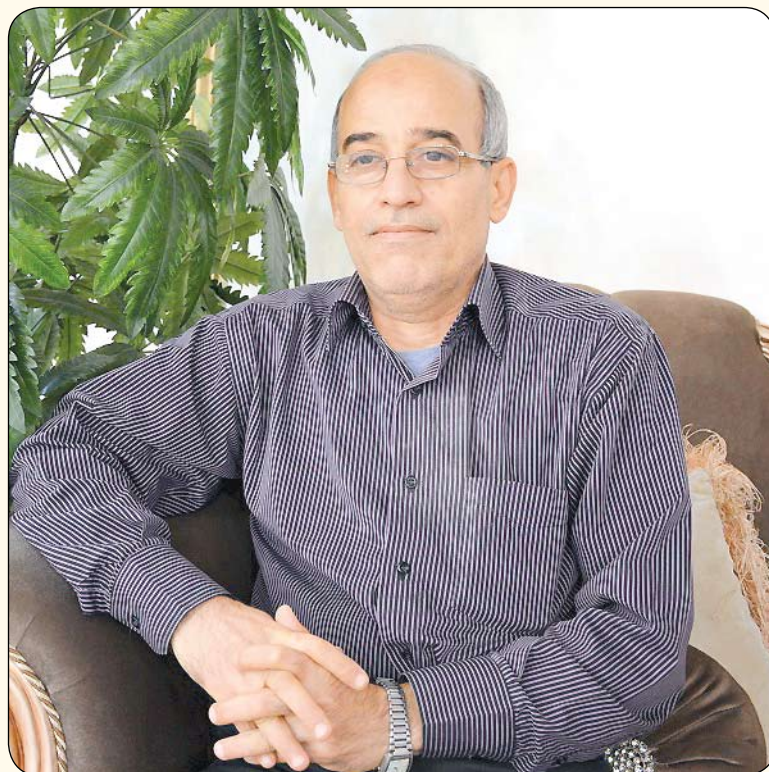




## داریوش محمدیان آزاده دفاع مقدس:

# آزادگان کمپ ۹ فرمانده اردوگاه الرمادی را عوض کردند



نظر به اهمیت عملیات بدر و تسخیر بزرگراه بغداد- بصره توسط ایران، نیروهای ویژه گارد ریاست جمهوری عراق به عنوان نیروی ذخیره برای نخستین بار در چنین عملیاتی مقابل نیروهای رزمنده ایران شرکت کردند.

اسفند ۱۳۶۳ عملیات بدر با رمز یا فاطمه الزهرا (س) در محور هور الهویزه با شرکت

چندین لشکر نیروی زمینی ارتش و سپاه پاسداران آغاز شد. نیروهای ایران در پیشروی اولیه از سمت جزایر مجنون موفق به اشغال پاسگاه ترابه و تسخیر بخشی از بزرگراه بغداد-بصره شدند.

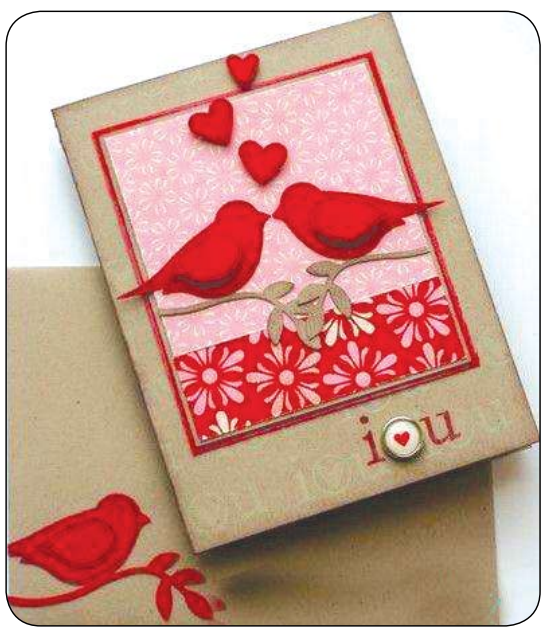
هنگامی که ایرانی‌ها بزرگراه را تسخیر کردند، نیروهای عراقی تحت امر ژنرال سلطان هاشم احمد محمد الطائی و ژنرال جمال زانون، پاتک سنگینی را با حملات هوایی و توپخانه‌ای علیه نیروهای ایرانی آغاز کردند، سپس با استفاده از توپخانه، تانک و نیروهای زرهی عملیات گازانبری انجام دادند. در اوج نبرد، صدام دستور استفاده از سلاح‌های شیمیایی را صادر کرد. همزمان با استفاده از لوله‌های ویژه‌ای که مهندسان عراقی طراحی کرده بودند آب دجله را به داخل خاکریزهای ایرانی هدایت کردند. تحت فشار شدید عراقی‌ها، نیروهای ایران مجبور به عقب‌نشینی شدند.

گلوله‌های خمپاره و توپ مثل تگرگ بر سر نیروهای ایرانی فرود می‌آمد و منطقه را مثل جهنم کرده بود. صدای قور قور قور باغچه‌هایی که آرامش هور الهویزه را به هم ریخته بود، فضایی خاص بوجود آورده بود، در گوشه‌ای میان نزارها داریوش محمدیان، از نیروهای سپاه پاسداران روی زمین افتاده بود؛ او هنگام صبح در عملیات بر اثر اصابت گلوله به ساق پایش قادر به راه رفتن نبود و منتظر بود تا نیروهای امدادی او را به پشت جبهه منتقل کنند. در این میان، تعداد زیادی هم ترکش به بازو و کمر او خورده و خون زیادی از بدنش رفته بود.

با فرارسیدن شب، مقداری از حجم آتشباری عراقی‌ها فروکش کرد؛ داریوش به همراه تعدادی از نیروهای خط شکن حدود ۳۰ کیلومتر در دل خاک عراق نفوذ کرده بودند و پشت سر آنها، تا محدوده خط مرزی، تا چشم کار می‌کرد آب و نزار بود. ارتباط او با نیروهای خودی به کلی قطع شده بود؛ از چند جای بدنش بخاطر اصابت گلوله و ترکش خون می‌آمد بدنش حتی قدرت سینه خیز رفتن را هم نداشت تا خودش را به جایی برساند. نزدیک ظهر بود، هوا گرم‌تر و گرم‌تر می‌شد؛ از فرط تشنگی و گرسنگی چشم‌هایش روی هم رفت و بی‌هوش شد، شب هنگام با سرد شدن هوا از خواب بیدار شد، خاک‌های گونی‌هایی را که با آنها سنگر ساخته بودند خالی کرد و مثل کیسه خواب داخل آن خزید و به خواب رفت. با صدای انفجار خمپاره‌ای که در نزدیکی او فرود آمد چشم‌هایش را باز کرد، نمی‌دانست چقدر خوابیده بود، اما عقربه ساعت مچی اش ساعت ۷ صبح را نشان می‌داد؛ کم‌کم یادش آمد که کجاست و چه اتفاقی افتاده است، چشم‌انتظاری برای رسیدن به داد کسی که استخوان پایش بر اثر اصابت گلوله شکسته بود بسیار طاقت فرسا و شکننده بود؛ دو روز از مجروح شدن او می‌گذشت، رمقی در بدن نداشت و دوباره بر اثر ضعف شدید جسمی بی‌هوش شد، آنقدر که حتی صدای انفجار خمپاره‌ها هم قادر نبود او را بیدار کند، ساعتها بعد، یک انفجار مهیب در نزدیکی او و اصابت چند ترکش دیگر به بدنش او را بیدار کرد، داریوش به سختی دست خود را تا جلوی صورتش بالا آورد، وقتی به ساعتش نگاه کرد، چهار بعد از ظهر را نشان می‌داد.

هنوز امید داشت که نیروهای خودی او را پیدا کنند و به عقب برگردانند. اما هرچه انتظار می‌کشید امید او بیشتر به یأس تبدیل می‌شد. نیرو و قوای جسمی اش تا حد مرگ تحلیل رفته بود و به سختی چشم‌هایش را باز می‌کرد، ضعف بدن او را گرفت و دوباره بی‌هوش شد؛ سه روز از مجروحیت او می‌گذشت، حالا دیگر مطمئن شده بود که به جای دوستان و همزمان، باید منتظر ملک الموت باشد. تمام زندگی اش از کودکی تا آن لحظه

به صورت دست نویس از میهمانان خواسته شد در مراسم حضور یابند. کتاب‌ها بیشتر با موضوع و مضمون شهادت‌طلبی بود که خاطرات شهدا و خانواده این عزیزان به‌عنوان یک اصل در انتخاب مدنظر قرار گرفت. در کنار این کار مقرر شد مراسم جشن عروسی به سادگی هرچه تمامتر برگزار شود و هیچ نوع زرق و برقی در کار نباشد. حتی ماشین عروس نیز به گل مزین نشد و عروس و داماد از وسیله نقلیه ارزان استفاده کردند.



پدر داماد افزود: عروس خانواده نیز برای تهیه جهیزیه لوازم ساخت کشورمان را خریداری کردند و تمام اسباب و اثاثیه با مارک شرکتهای داخلی بوده و این خود ترویج فرهنگ خرید کالای ایرانی و حمایت از اقتصاد ملی است. وی اظهار امیدواری کرد: به همت خانواده‌ها و دوری از چشم و هم‌چشمی به ازدواج‌های آسان روی بیاوریم تا آینده‌ای همراه با آسایش و آرامش را برای فرزندانمان به ارمغان آوریم.

عروس و داماد به جای «کارت دعوت» به میهمانان خود کتاب هدیه کردند

## کارت عروسی یا ترویج فرهنگ کتابخوانی؟!

یک زوج جوان در شهرستان ورامین در اقدامی جالب و تحسین برانگیز، به جای ارسال کارت دعوت‌های متداول عروسی، اقدام به هدیه کتاب برای دعوت از میهمانان خود کردند. این عروس و داماد برای دعوت از اقوام، دوستان و آشنایان خود کتابهایی را تهیه کرده و به صورت دست نویس از میهمانان خود خواستند در جشن ازدواج آنها شرکت کنند.

کتابها بیشتر با مضمون خاطرات شهدا و خانواده آنان است که در صفحه داخلی جلد آن زمان و مکان مراسم عروسی درج شده بود.

پدر داماد در این ارتباط اظهار داشت: یکی از اهداف ما برای برپایی این مراسم تبلیغ و ترویج ازدواج آسان بود که امیدواریم روزی را شاهد باشیم که این امر در تمام کشور نهادینه شود.

ولی‌الله سراغی گفت: به‌منظور سهولت در ازدواج‌ها و آشنایی خانواده‌ها با فرهنگ کتاب و کتابخوانی این موضوع به‌عنوان یک اصل در ازدواج فرزندانم لحاظ شد.

وی ادامه داد: در همفکری با خانواده‌های زوجین مقرر شد کتابهایی تهیه شده و ذکر دعوت از مدعوین در قالب آن شکل گیرد. برای این منظور چند موضوع از کتابهای رایج تهیه و